



۲۰۱۷/۰۵/۲۴

مصطفی عمرزی

## نام دری در نشرات قدیمی افغانی

دری، مسجل ترین نام در شناخت تنوع فرهنگی افغانستان در جهان است. این که وفرت استعمال این نام در آثار مختلفی در جغرافیا رواج آن آمده است، مسأله دیگر می شود، اما انتخاب آن برای رسمیات فرهنگی افغانستان، از نیم قرن به این سو، ما را متوجه می کند که در حفظ آن، کوشا باشیم.

فشار مضاعف برای حذف نام ها، در تجربه ای که به نام دیموکراسی و ارداتی بیش از یک دهه اخیر کردیم، ثابت می کند ثابت قدمی فرهنگیان ما در کاربرد و نگهداشت نام ها و ترمینالوژی ملی، چه قدر مهم است. در واقع، نام های جالفتاده و رسمی، جزو مقوله ها و مؤلفه های حقوقی واحد های سیاسی، تذکره یا معرفی نامه هایی اند که در ملاحظات منافع ملی، اجازه نمی دهند زیر سایه ی به اصطلاح اشتراکات فرهنگی، درز ها و حفره هایی ایجاد شده در اغتشاش فکری، وحدت اندیشه در کلیت ملت و مملکت را آسیب بزنند. متأسفانه وضع زار حاکمیت در ضعف اقتدار ملی، سیاست های بیرونی را در ایجاد هرج و مرج داخلی برای برنامه ها و اجندا هایی که در صدر بالای آن ها با رونمایی افتضاحات نشان دادند، بدون زمینه تاریخی و توجیه منطقی، چیزی شبیه بازی و نمایش شده اند، هویت ستیزی ملی را به سطح کوچه و بازار می کشاند. سلوک زشت، در شرایطی که اولویت های ما اتحاد و اتفاق است، مملکت را در فشار ناشی از دو سوی ستیز مدنی و مسلحانه، قید می سازد تا در چهار راه افکار، از بسیج مردم در کنار هم، درمانده شویم.

رخ دیگر این حقیقت که از تعدیل و حذف نام هایی می شوند که طرح آنان برای حذف واقعیت های افغانی با ظرفیت های بشری ناچیز و تجربه حضور سیاسی ناکام، به جایی نمی رسد، تفسیر، توجیه و تحلیل اسمایی را بیشتر می کند که در رسمیات داخلی و خارجی، وحدت افغانستان را در کلیت فرهنگ افغان، مسجل کرده اند.

ستیز برای حذف و دلیل برای ابقا، دو بُعد قضایای متعدد فرهنگی و سیاسی در افغانستان شده است که خوشبختانه در هیچ عرصه آن، مقال اصالت ها و واقعیت های ما خالی نمی ماندند؛ اما بر اثر چرخش و تنوع رقابت، ضرورت این که پاسخگویی نیز متنوع باشد، ناگزیر می کند در هیچ موردی کوتاه نیاییم. ضم این مقاله، دو سند یا دو تصویری از واقعیت های مسجل نام دری در نشرات قدیمی، اما معاصر افغانستان را آورده ام که افغانستان دوستان، وقتی درگیر تنوع ستیز شوند، استفاده کنند.

باوجود وفرت منابع، آثار و حقیقتی که اکنون نام دری را برای افغانستان و افغانان، جهانی ساخته است، مخالفان کوتاه فکر، به خصوص در خط فارسیم، بر اثر تعبیر قومی، می کوشند با حذف دری، نام فارسی یا پارسی یا این غلط

معروف برای دری را با چشم دوزی بر رواج آن، در عقب هویت قومی بیاندازند. با فارسی سازی دری، گویا واقعیت های متلکمان بر این زبان، در حالی که مسأله قومی آنان وضاحت دارد، بی فکران ساده لو را تشویق کرده است که اگر دری، فارسی شد، در صورت دیگری از تعریف قومی آنان (فارس) ظرفیت بشری قابل ملاحظه ای در سطوح سیاسی و مزایای آن به دست می آورند. به این دلیل، کسی از این جماعت بی خرد، پیشنهاد کرده بود احصائیه نفوس افغانستان را بر اساس گستره متلکمان زبان در نظر بگیرند. بر این اساس، هزاره های ما یا پشتون های دری زبان یا مردمانی که هویت های قومی مشخص دارند، اما دری گو اند، در تذکره خویش «تعویض» می شوند. این که چه قدر بر این ادعا ها می توان طنز، فلم کمیدی، سرکس، هزل و هجو نوشت، در فرصت های بعدی، خواهم پرداخت، اما در این جا حداقل وقتی می دانیم واقعیت فرهنگی دری، در دنیای مجازی و ملموس، همه جا با نام افغان و افغانستان می آید، صرف نظر از هزاره قدمت آن، حالا که بیش از نیم قرن در کنار پشتو، انعکاس جهانی فرهنگ ما در دنیاست، خوب است در تمام اشکال ثبوت آن، سند داشته باشیم.

دوگانگی و کثرت استعمال دری و فارسی تا زمانی که در دهه ۶۰ میلادی، نام دری را در رسمیات آوردند، باوجود استفاده عام نام فارسی در میان توده های بی سواد، اما هرگز باعث نشد دری، مستعمل و در نظر نباشد. عموماً در ستیز سخیف وقتی در برابر انبوهی ادله و سند نام دری، کم می آورند، سراغ جلد کتاب هایی می روند که کسی منکر نیست در بیش از یک قرن نشرات افغانی، نام فارسی وجود نداشته باشد، اما این ترفند، زمانی به معنی تعصب می شود که می بینیم، دری را با تمام واقعیت های آن، نادیده می گیرند.



ظاهراً تاریخ دری که در تمامی آثار قدما، وجود دارد، رقیب خوبی برای جلد کتاب هایی نبوده است که در جدل شبکه های اجتماعی بار ها دیده ام، با کاپی- پیست به زودی به سراغ افغانان دری دوست می آیند. برای این که این مقال نیز خالی نماند، از میان ده ها جلد کتابی که رقبای چاپی نام فارسی در نشرات افغانی اند، جلد دو کتاب زمان امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملت را یافتم که به قول دوستان، ده ها نمونه دیگر دارد.

استفاده از این دو سند تاریخی، ضم بحث دری نیست، بل به گونه خیلی ساده، در برابر جلد کتاب هایی قرار می گیرد که با نام فارسی، منتشر می شده اند. در جلد کتاب های «بصیره الزار عین» و «میزان المسافه»، هر چند با عناوین عربی، غنای زبان دری از زبان های دیگر را نشان می دهند، اما با متن دری که در امارت امیر عبدالرحمن خان فقید منتشر شده اند، نام دری در کنار تازی (عربی) به وضاحت خوانده می شود. این نمونه در میان ده ها نمونه دیگر، صورت ساده از فهم مساله ای است که چه گونه در موقعیت دو گانه، تا زمانی که رسمیت دری مسجل می شود، در حوزه کار فرهنگی و تعلیمی ما وجود داشته است.

فرهنگیان افغان در یک قرن قبل، به خوبی از اصلیت دری آگاه بودند و بدون شک در زمان نیاز شدید به تعریف موضع ما، انتخاب و گزینش این نام، در تفکر فرهنگیان و مردم ما در گذشته، نقش بسته بود.

به هر صورت، ساده ترین استفاده از اسناد این مقاله، کاپی - پیست در زمان جدل شبکه های اجتماعی ست. هر جا فارسی بازی کردند، رخ دری را نشان دهید. در بیش از یک قرن قبل، از این نمونه های نشرات قدیمی افغانی مزین به نام دری، خیلی وجود دارند.

